

## یک چنگال غول‌پیکر و آدم‌های خنگ

❏ یکی از هیجان‌انگیزترین روزهای کودکی ما بچه‌های دهه ۶۰ روز جهانی کودک و تلویزیون بود. روزی که از صبح تا شب تلویزیون فقط برنامه کودک پخش می‌کرد و

فاطمه سلیمانی  
ازدنیایی

نویسنده

ما بچه‌ها ذوق زده می‌نشستیم پای برنامه‌های تلویزیون. تلویزیونی که در آن روز خاص فقط متعلق به ما بچه‌ها بود. روز جهانی کودک و تلویزیون روز پادشاهی بچه‌ها بود. بعد از هر کارتون دعا می‌کردیم کارتون بعدی برنامه مورد علاقه ما باشد. اگر تعداد تماشاچی‌های پای تلویزیون زیاد بود سر برنامه بعدی شرط می‌بستیم یا حتی دعوا می‌کردیم. بیشترین آیت‌ما هم متعلق بودند به کلاه قرمزی، اکیوسان و ماجراهای میتی‌کومان. روز کودک و تلویزیون آن قدر جا افتاده بود که تقریباً همه از آن باخبر بودند.

اما چند نفر می‌دانند که یک روزی به اسم روز کودک و کتاب هم داریم؟ روزی که شاید بهتر باشد تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری تعطیل شوند و آن روز فقط به کتاب اختصاص پیدا کند. مثلاً حتماً در آن روز خاص برای بچه‌ها کتاب بخونیم. یا اگر خودشان سواد خواندن دارند اجازه بدهیم برای ما کتاب بخوانند. یا بهتر است که دست بچه‌ها را بگیریم و با هم کتاب‌گردی کنیم و از کتابفروشی‌های مختلف بازدید کنیم. برای بچه‌ها کتاب بخیریم و به بهانه خرید کتاب آنها را با نویسنده‌های کتاب کودک آشنا کنیم. نویسنده‌هایی که تخصص‌شان نوشتن کتاب برای کودکان است و نویسندگانی که نه تنها برای بچه‌ها می‌نویسند بلکه درونمایه آثارشان اهداف تربیتی دارد.

خانم کلر ژوبرت یکی از نویسندگانی است که کتاب‌های زیادی برای بچه‌ها نوشته است. اولین باری که چشمم به اسم این نویسنده فرانسوی روی جلد یک کتاب افتاد دنبال اسم مترجم هم می‌گشتم. اما هرچه بیشتر گشتم کمتر پیدا کردم. بعداً متوجه شدم که کتاب‌های خانم ژوبرت نیاز به ترجمه ندارند. چون این بانوی فرهیخته سال‌هاست که ساکن ایران هستند و به زبان فارسی داستان می‌نویسند. یک بانوی مسیحی که دین اسلام را پذیرفته و ایران را برای زندگی انتخاب کرده‌اند. این نویسنده در کتاب‌هایش مفاهیمی گاه خیلی عمیق را با زبان شیرین قصه برای بچه‌ها روایت می‌کند. نکته جالب این‌که خود خانم ژوبرت تصویرگر کتاب‌های خودشان هم هستند. وقتی متن و تصویر هر دوازده یک ذهن تراوش کند به احتمال زیاد مفهوم کامل‌تر و جامع‌تر منتقل می‌شود.

«اندازه خود» یکی از این کتاب‌هاست که تصویرگری کتاب هم به عهده خود نویسنده بوده. یک کتاب خوش رنگ و لعاب و خوش سر و ریخت که در همان نگاه اول بچه‌های کوچک را جذب می‌کند. دنیای کتاب هم یک دنیای رنگی است. ۱۰ داستان مینی‌مال که شخصیت‌هایش فقط آدم‌ها نیستند. گاهی اشیاء هستند و گاهی حیوانات. مثلاً چنگال خجالتی‌ای که یک چنگک را به شکل یک غول می‌بیند یا بچه‌کلاغی که به نظرش آدم‌هایی که از چراغ قرمز رد می‌شوند خنگ هستند و چراغ سبز و قرمز را از هم تشخیص نمی‌دهند. نویسنده با این داستان‌های ساده و چندخطی، هم مقایسه اشیاء را به مخاطب خردسال خود آموزش داده و هم نکات تربیتی را به ساده‌ترین شکل ممکن بیان کرده است. داستان‌هایی در کادرهای رنگی دایره‌ای شکل به همراه تصویرهای جذاب. ترکیب همه این اجزا باعث می‌شود کتاب برای مخاطب خردسال جذاب باشد. ❏

کتابی که می‌تواند به پرسش چگونه کتابخوان شویم پاسخ دهد

# خواندن کریستالی



است. جستار مستقیم‌گو نیست.

کریستال در جستارهایش مخاطبانش را دعوت به خواندن می‌کند. او به جای این‌که از نوشتن حرف بزند و خم نوشتن را آموزش دهد از خواننده‌هایش حرف می‌زند. کاری که برای شیفتگان نوشتن کاری دشوار و عظیم است. کریستال در جستارهایش از کاری حرف می‌زند که اغلب نمی‌بینند و دنبال آن هم نمی‌روند. در واقع این کتاب همان کاری را انجام می‌دهد که در فکرهایم دنبالش بودم. دعوت به خواندن و مطالعه! کریستال با دقت نشان می‌دهد که اگر می‌تواند این‌طور بنویسد که در بخش‌هایی تنه به جادو می‌زند در واقع محصول خواندن‌های بسیار است. او بی‌محایا خواننده و تجربه‌خواندنش در متنش تبلور و ظهور یافته است. کاری که نویسنده‌های جوان علاقه‌ای به آن ندارند. در واقع حتی گروهی از این جوانان کار را به جایی رسانده‌اند که خواندن را امری اشتباه می‌دانند و با انداختن بادی در غیغ مدعی‌اند خواندن کتاب‌های دیگران سبک ما را خراب و ما را از خودمان دور می‌کند. در حالی که همین گروه جوان بی‌خبر، حتماً سرگذشت نویسندگان مطرح جهان را نخونده‌اند که این‌طور اظهار نظر می‌کنند. نویسندگانی که خود را وامدار نویسنده‌های ماقبل خود می‌دانند.

حالا به نظرم بهترین راه و روش برای دعوت به خواندن و مطالعه معرفی این کتاب آمد. کتابی که نشان می‌دهد هر قدر بخوانیم باز هم کم است. کتابی که اولین هدیه‌اش به مادیات به خواندن است و ارمغان دوم نشان دادن راه و رسم نوشتن گونه تازه‌ای به نام جستار است.

کتابی که کریستال در آن از تجربیاتش حرف می‌زند و طوری می‌نویسد که خواننده احساس خستگی نمی‌کند. مخاطب هر جستار را که تمام می‌کند به فکر فرو می‌رود و با خود می‌گوید این چیزها را چطور نوشته و خواننده را در برابر متن خود خلع سلاح کرده که این‌طور در پایان جستار مانند گنگ خواب دیده شده است.

این کتاب را به عنوان گزینه‌ای که می‌تواند ذهنیت بسیاری را در امر نوشتن و خواندن تغییر دهد باید پیش چشم داشت و هر کس می‌خواست بخواند، ولی نمی‌دانست چطور باید شروع کند، را با آن به حلقه هواداران کریستال وارد کرد.

❏ داشتم به این فکر می‌کردم که چطور

باید یکی را کتابخوان کرد؟ چطور باید یکی را به وادی ادبیات و کتاب وارد کرد؟ چطور می‌شود در این وضعیت که کتاب‌ها قیمت‌شان سر پایین آمدن ندارند کسی را دعوت به خواندن مستمر کرد. چطور می‌شود در وضعیتی که شبکه‌های اجتماعی اغلب وقت‌های خالی ما را به خود اختصاص می‌دهند کتاب خواند و مطالعه کرد؟ داشتم به همه این چیزها فکر می‌کردم و راهی برای رسیدن به نتیجه پیدا می‌کردم که یاد یک کتاب از آقای آرتور کریستال افتادم. البته یکی دو کتاب دیگر هم در خاطر آمد ولی از همه برجسته‌تر کتاب آقای کریستال بود.

«فقط روزهایی که می‌نویسم» عنوان همان کتاب است. کتابی که قرار است دست ما را بگیرد و راهی به سوی جستارنویسی پیش روی ما باز کند. سبکی که نسبتاً تازگی دارد و هواداران بسیاری را دور خود جمع کرده است. تا جایی این سبک جدید است که یادداشت‌های معمولی و مرورهای کوتاه بر کتاب‌ها را نیز عده‌ای لقب جستار می‌دهند، سبکی که تعریف درستی نمی‌توان برایش ارائه کرد و هر کسی از ظن خود به متن پیش‌روی خود لقب جستار می‌دهد.

اساساً نوشتن و تولید کردن متن از خواندن آن کار جذاب‌تری است. البته این جذابیت در گروهی شدت بیشتری دارد و آنها دلشان می‌خواهد بدون این‌که مطالعه کنند، بخوانند. یعنی همین که قلم را روی کاغذ گذاشتند نوک آن حرکت کند و متن‌های تحسین‌برانگیز و تاریخی بنویسد که نسل‌های مختلف درباره آنها حرف بزنند.

برای همین کتاب آرتور کریستال به ذهنم آمد. کتابی که در حجم کم و زمان کوتاه، دروازه‌های نوشتن را بر شما باز می‌کند و اصطلاحاً همای سعادت نوشتن را بر شانه‌های شما می‌نشانند. کتابی که چند نمونه موفق از جستارهای او را در خود دارد و هر خواننده‌ای را انگشت به دهان و او را از تعجب حیرت‌زده می‌کند. کریستال در جستارهایی که در این کتاب کنار هم قرار گرفته دنبال بیان کردن یک حرفی است که در لابه‌لای کلماتش مستتر است. او پیامش را میان کلمات پنهان کرده و این ویژگی جستار

صادق میرزاده

نویسنده



نویسنده:

آرتور کریستال

مترجم:

احسان لطفی

انتشارات:

اطراف

۱۲۰ صفحه

۲۳۰۰۰ تومان